

نگاهی به تصحیح منتخب التواریخ بداؤنی

مهدی صدری*

منتخب التواریخ بداؤنی / از عبدالقادر بداؤنی؛ تصحیح احمد علی صاحب، با مقدمه و اضافات توفیق ه. سبحانی. - تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰.

چکیده

یکی از نکات مهم منتخب التواریخ عبدالقادر بداؤنی (۹۴۷ - ۱۰۰۴ ه. ق.) ماده تاریخ‌هایی است که مؤلف به عنوان شاهد، چه از خود یا از سرایندهگان دیگر، به مناسبت‌های مختلف، ثبت و ضبط کرده است. در چاپ جدید از این کتاب، که با مقدمه و اضافات دکتر توفیق ه. سبحانی از روی چاپ کلکته (۱۸۶۴ - ۱۸۶۹ م) صورت گرفته، عبارت ماده تاریخ‌ها مشخص نشده و هیچ یک از آنها مورد محاسبه قرار نگرفته و در موارد متعدد ماده تاریخ‌ها با سال واقعه همخوان نیست. در این گفتار، نمونه‌هایی از کاستی‌ها و اشتباهات ماده تاریخ‌های چاپ مذکور منتخب التواریخ ذکر شده است.

کلید واژه: عبدالقادر بداؤنی، منتخب التواریخ، ماده تاریخ‌ها.

کتاب منتخب التواریخ بداؤنی از متون تاریخی - ادبی نیمه دوم سده دهم هجری قمری، در دوران سلطنت اکبر شاه گورکانی (۹۶۳ - ۱۰۱۴ ه. ق.) است. کتاب مذکور تألیف عبدالقادر بداؤنی (۹۴۷ - ۱۰۰۴ ه. ق.)، مورخ و شاعر و ادیبی است که به واقعات و رویدادهایی که خود شاهد و ناظر آن بوده پرداخته است. از نکات مهم این تاریخ، ماده

*. مصحح متون ادبی و تاریخی.

تاریخ‌هایی است که مؤلف به عنوان شاهد چه از خود یا از سراینندگان دیگر به مناسبت‌های گوناگون ثبت کرده و دارای اهمیت فراوان است.

انگیزه پرداختن به موضوع این مقاله نگرشی است که نگارنده به اهمیت ماده تاریخ دارد و در متون خطی به جا مانده از آثار گذشتگان مملو و انباشته از این دانش ادبی - تاریخی است. از آنجا که در شصت هفتاد ساله اخیر در دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی، ماده تاریخ و مباحث مربوط بدان، به ویژه در رشته‌های مربوط به ادب و تاریخ فارسی متأسفانه جزء دروس نبوده و نیست و به تبع آن نیز آموزش داده نشده و نمی‌شود، سبب گردیده تا از کاستی عدم فراگیری و بیگانه بودن با این دانش، اغلب مصححان در تصحیح این دست از متون دچار خطا و لغزش شوند و آثار منتشر شده را به بازار فرهنگ غنی و پر بار زبان و ادب فارسی روانه کنند و از ارزش و اعتبار آثار منتشره بکاهند. از این رو مصححی که به تصحیح این گونه متن‌ها می‌پردازد، باید ماده تاریخ‌های مندرج در متن را، دقیقاً محاسبه و تطبیق آن را با واقعه مدنظر قرار داده و تابع سلیقه و نسخه بدل مانند متن معمولی نگردد و به صورتی موشکافانه و علمی آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و صحت و سقم آن را بازگو و روشن نماید.

در متون ادبی - تاریخی به ویژه در کتب تاریخی برای ثبت وقایع در همه زمینه‌ها، سراینندگان ماده تاریخ می‌سرودند و در روزگار ما هم هنوز کم و بیش ماده تاریخ سرایی رایج است. جانمایه اینگونه از کتب، ماده تاریخ است که سبب جاودانگی آن را فراهم می‌سازد و ماده تاریخ برای تصحیح کتب مذکور، راهنمای بسیار خوبی است.

در این مقاله نگارنده تنها به نقد و نظر از نمونه‌هایی از نکات راهبردی این متن می‌پردازد تا از این رهگذر، خوانندگان محترم آن ظرایف کار را دریابند و بدان پی ببرند. یکی از کاستی‌های مهم این تصحیح اینکه، مصحح محترم کتاب، تصویری از منابع مورد استفاده - که همان نسخ مطبوع سنگی هند است - به دست نداده‌اند و تنها در انتهای مقدمه مرقوم فرموده‌اند که: «کتاب حاضر به استناد چاپ ۱۸۶۴ - ۱۸۶۹ میلادی در کلکته فراهم شده است». غیر از مأخذ مورد استناد، در بعضی از پاورقی‌ها دیده می‌شود که نسخ چاپی دیگری هم در این تصحیح دخیل بوده و آنها را با علامت اختصاری معلوم نکرده‌اند تا خواننده دریابد که مورد تصحیح در متن منتخب از کدام یک از چاپ‌هاست و در پاورقی‌ها آمده است: نسخه...؛ دو نسخه...؛ هر سه نسخه...

غیر از نسخه اساس و دو نسخه دیگر، مصحح از نسخه ترجمه انگلیسی آن، در

بعضی از پاورقی‌ها خبر داده و از آن در تصحیح متن استفاده کرده، ولی این ترجمه انگلیسی نیز مانند سه مأخذ دیگر در مقدمه معرفی و شناسانده نشده است. ای کاش مصحح محترم با تعجیل به انتشار این کار نمی‌پرداختند و از نسخ خطی آن در این تصحیح - که نشانی آن در فهرست نسخ خطی موجود است - بهره می‌بردند تا کاری باشد سخته و پخته، و ماندگار و پایدار.

هیچیک از ماده تاریخ‌ها در این متن محاسبه نشده و عبارات تاریخ هم با علامتی مانند گیومه مشخص و معلوم نگردیده و ماده تاریخ‌ها در موارد متعدد با سال واقعه سازگاری ندارد و مصحح نیز عدم مطابقت تاریخ‌ها را با سال واقعه متذکر نشده است. حال به چند نمونه از این کاستی‌ها پرداخته می‌شود:

در ص ۳۱۱، ج ۱. در ذیل وقایع سال ۹۵۸ ه. ق ماده تاریخ قتل میرزا هندال به دست برادرش میرزا کامران، در قطعه‌ای که سروده‌ی نیازی بخارایی است چنین آمده: شیبخون چون قضا انگیخت از دهر که از خون شد شفق گون اوج گردون

خرد تاریخ فوتش جست و گفتم دریغا مرد شمعی از شب خون^۱
 دو نکته یکی در مصراع اول و دیگر در مصراع پایانی قطعه مستتر است. در مورد اول در باب واژه «شیبخون» است که مصحح ضمن این‌که از دیدگاه خویش بدون ذکر «تصحیح قیاسی» در پاورقی آورده است: «نسخه: شباخون»؛ مورد دوم در ترکیب «شب خون» است که بدین وجه تاریخ مختل است. سراینده‌گان ماده تاریخ ساز معمولاً تاریخ یافته‌ی خویش را در ماده تاریخ خود بدون این‌که خواننده از آن آگاه باشد در آغاز به آن می‌پردازند و آن را طرح می‌کنند. ترکیب «شباخون» تاریخ یافته‌ی سراینده است که در آغاز بدان پرداخته است و تصحیح قیاسی یا احیاناً نسخه‌ای که به خطا ترکیب «شیبخون» را آورده باشد در متن خطاست.

دیگر در مصراع پایانی تاریخ، ماده تاریخ «شب خون» خطای فاحش است و «شباخون» درست است. زیرا ماده تاریخ دارای تعمیمه‌ای است که در همین مصراع مستتر است و تعمیمه آن در تعبیر «مردن شمع» است. چون شمع تصویر عدد ۱ را به ذهن متبادر می‌کند تعبیر «مردن شمع» به معنای منها کردن و کم کردن عدد یک از اجزا و عناصر عبارت تاریخ است که سراینده بدان تصریح کرده است. «شباخون» به حساب جمل برابر با عدد ۹۵۹ است که با کم کردن عدد یک، سال واقعه یعنی سال ۹۵۸ ه. ق

حاصل می‌گردد. به دنبال ماده تاریخ مزبور، مؤلف ماده تاریخ میرزا امانی را در قطعه‌ای دو بیتی ضبط کرده که آن هم دارای تعمیم است و مصراع تاریخ چنین است:
«سروی» از «بوستان دولت» رفت^۱

تعمیم مورد بحث در واژه «سرو» است و چون از شکل «سرو» عدد ۱ به ذهن متبادر می‌شود، با عنایت به «رفتن سرو» از تعبیر «بوستان دولت» - که به حساب جمل برابر با عدد ۹۵۹ است - باید عدد یک را از آن کم کرد تا سال واقعه یعنی سال ۹۵۸ ه. ق حاصل آید.

در ص ۳۱، ج ۲، تاریخ شهادت محمد بیرام پدر عبدالرحیم خان خانان به سال ۹۶۸ ه. ق در مصراع تاریخ بدین شکل آمده:

گفتا که شهید شد محمد بیرام

در اینجا از وظائف مصحح است که عبارت تاریخ را مشخص و معلوم کند تا خواننده مجبور به محاسبه و یافتن تاریخ از لابه‌لای واژه‌ها و عبارت نشود. عبارت تاریخ باید به وجه ذیل مشخص می‌شد:

گفتا که: «شهید شد محمد بیرام» ۹۶۸ ه. ق

ضمن این که این تاریخ با شاهد دیگر که بدآونی در مصراعی به صورت تعمیم سروده باید مطابقت داده می‌شد. بدآونی گفته است:

و فقیر به حسب تعمیم یافتم گفت گل گلشن خوبی نماند

خواننده از این مصراع تاریخ را چگونه بیابد؟ لازم و واجب بود که در پاورقی این تعمیم برای خواننده آن توضیح داده می‌شد که عبارت تاریخ «گلشن خوبی» است و مجموع عددی آن به حساب جمل برابر با عدد ۱۰۱۸ می‌شود و با عنایت به مفهوم تعمیم به کار گرفته شده یعنی تعبیر «نماندن گل»، باید معادل عددی واژه «گل» را به حساب جمل - که برابر با عدد ۵۰ است - از مجموع عددی عبارت تاریخ کم کرد تا سال ۹۶۸ ه. ق حاصل آید و مصراع بدین شکل باید نوشته می‌شد:

گفت: «گل» «گلشن خوبی» نماند

ج ۲، ص ۸۳ - ۸۴، در ذیل وقایع سال ۹۷۷ ه. ق بدآونی به سبب ولادت شاهزاده سلیم (= جهانگیر شاه)، خواجه حسین مروی قصیده تمام تاریخی را در سی و یک بیت

- که از مصراع‌های اول آن سال ۹۶۳ ه. ق، سال جلوس اکبر شاه گورکانی، و از مصراع‌های دوم آن سال ۹۷۷ ه. ق، تاریخ تولد شاهزاده سلیم به دست می‌آید - آورده است. اما مصحح مانند سایر موارد مشابه مصراع‌ها را محاسبه نکرده و در نتیجه تاریخ در بعضی از آنها مختل و معانی آن نارساست که به شرح ذیل به این نارسایی‌ها پرداخته می‌شود:

در مصراع دوم بیت اول ضبط درست «در» «را باید به جای «بر» که هم معنا و هم تاریخ را مختل کرده است اصلاح گردد.

در مصراع اول بیت چهارم باید واژه «فصل» را به جای «فضل» اصلاح کرد تا تاریخ و معنا موافق آید. در مصراع دوم همین بیت «به گوهر کرد» باید به «بگوهر کرده» اصلاح گردد تا تاریخ موافق با واقعه شود.

در مصراع دوم بیت پنجم باید واژه «گوشوار» به «گوشدار» اصلاح کرد تا تاریخ و معنای درست حاصل آید.

در مصراع دوم بیت ششم شکل ضبط شده «لؤلؤی» تاریخ را مختل کرده است باید آن را به شکل «لؤلؤء» نوشت تا تاریخ موافق گردد.

در مصراع دوم بیت هشتم باید واژه «به بار» به صورت «ببار» اصلاح گردد تا تاریخ مختل نشود.

در مصراع دوم بیت دهم حرف ربط «و» در بین دو واژه «کامجوی» و «کامکار» زائد است و باید حذف شود زیرا حرف مذکور تاریخ را شش سال افزون می‌کند.

در مصراع اول بیت یازدهم باید واژه «به دهر» به صورت «بدهر» اصلاح گردد تا تاریخ مختل نشود. نیز در مصراع دوم همین بیت حرف ربط «و» در تعبیر «عادل اعلی و عاقل» زائد است، زیرا بدین وجه تاریخ مختل است و باید به صورت «عادل اعلی عاقل» اصلاح کرد و به ضرورت تاریخ تعبیر را باید به صورت «عادل اعلای عاقل» بخوانیم.

تاریخ در مصراع اول بیت چهاردهم مختل است و از مجموع عددی آن به حساب جمل سال ۱۰۲۸ حاصل می‌شود.

در مصراع اول بیت پانزدهم باید واژه «سمای» را به صورت «سماء» اصلاح کنیم تا تاریخ موافق آید. نیز تاریخ در مصراع دوم به شکل ضبط شده مختل است و از مجموع عددی آن ۱۱۷۱ حاصل می‌شود. باید واژه «مرکب» را به «موکب» اصلاح کرد تا تاریخ

درست واقعه به دست آید.

در مصراع اول بیت شانزدهم نیز مانند مصراع بیت پیشین، واژه «مرکب» را باید به واژه «موکب» اصلاح شود تا هم معنا و هم تاریخ موافق گردد. تاریخ در مصراع دوم بیت نوزدهم مختل است و از مجموع آن سال ۹۵۷ به دست می‌آید.

در مصراع اول بیت بیست و دوم تاریخ مختل است و از مجموع عددی آن سال ۹۵۱ حاصل می‌شود. در مصراع دوم باید مصراع بدین وجه: «بابها و با دل دین پرور و پرهیزگار» اصلاح شود تا تاریخ موافق آید.

تاریخ و مصراع دوم بیت بیست و سوم مختل است و از مجموع عددی آن سال ۸۹۴ حاصل می‌گردد.

در مصراع دوم بیت بیست و چهارم باید حرف ربط «و» را در بین تعبیرهای «شاهباز» و «جان شکار» بیافزاییم تا معنی و تاریخ برابر با واقعه گردد.

در مصراع اول بیت بیست و پنجم واژه «به جودت» باید به وجه «بجودت» اصلاح شود تا اختلالی در تاریخ حاصل نیاید. در مصراع اول بیت بیست و هفتم تاریخ مختل است و برای رفع این اختلال باید واژه مضبوط «هدیه‌یی» را به «هدیه و» اصلاح کرد تا تاریخ و معنا درست گردد. نیز تاریخ مصراع دوم بیت مذکور مختل است و از مجموع عددی آن سال ۹۸۱ به دست می‌آید. در مصراع اول بیت بیست و هشتم تاریخ مختل است و از مجموع عددی آن سال ۱۱۲۱ حاصل می‌گردد.

در مصراع دوم بیت بیست و نهم باید واژه «دوم» را به «دویم» اصلاح کنیم تا تاریخ واقعه درست گردد.

در مصراع اول بیت سی‌ام اگر حرف «و» مضبوط در عبارت «ماه و سال» را حذف کنیم تاریخ برابر با واقعه خواهد شد. تاریخ در مصراع دوم همین بیت مختل است و از مجموع عددی آن سال ۱۰۴۹ به دست می‌آید.

مجموع عددی مصراع دوم بیت سی و یکم برابر با سال واقعه نیست و یکسال افزون است.

ج ۲، ص ۹۰، ذیل وقایع سال ۹۷۸ در باب تولد فرزند دوم اکبرشاه دو قطعه و یک تک بیت از ماده تاریخ‌های قاسم ارسلان مشهدی^۳ را شاهد آورده است. در قطعه اول بدائونی به ذکر واقعه می‌پردازد و شرح می‌دهد که در این قطعه دو بیتی تمام تاریخ، بیت

اول ناظر بر تولد شاهزاده سلیم (= جهانگیر شاه) به سال ۹۷۷ ه. ق است و بیت دوم آن مربوط است به تولد فرزند دوم اکبر شاه به نام سلطان مراد به سال ۹۷۸ ه. ق.

در قطعه مذکور بیت دوم درست ضبط شده اما تاریخ در بیت اول در هر دو مصراع مختل است. بدین صورت برای رفع این اختلال باید واژه «ماه» را به صورت «مه» اصلاح کرد تا تاریخ موافق با سال واقعه گردد. در مصراع دوم تعبیر «ماه وار» ضبط شده خطاست و باید این تعبیر به واژه «والی» اصلاح گردد تا ماده تاریخ بر طبق سروده قاسم ارسلان - که منطبق با نسخه خطی دیوان اوست - با سال واقعه برابر گردد. امثا ظاهراً چنین می نماید که با واژه «والی» وزن مصراع مختل شود ولی به ضرورت و رسمی که کم و بیش در بین ماده تاریخ سازان معمول و رایج بوده واژه‌ای را مانند واژه مذکور به صورت مخفف در ماده تاریخ می آورند ولی به صورت کامل می خوانند که هم در وزن مصراع خللی بروز نکند و هم به وجه کتابت شده آن تاریخ درست باشد. ما در متن «والی» می نویسیم ولی در خواندن باید «والیی» بخوانیم.

مؤلف تک بیت تمام تاریخ بعدی ارسلان مشهدی را آورده که مانند ماده تاریخ پیشین مصراع اول مربوط به تولد شاهزاده سلیم به سال ۹۷۷ ه. ق است و مصراع دوم مربوط به فرزند دوم اکبر شاه به سال ۹۷۸ ه. ق است. اما از مجموع عددی مصراع دوم سال ۹۷۹ ه. ق حاصل می شود.

در قطعه تمام تاریخ هفت بیتی بعدی - که از خواجه حسین مروی است - همانند دو مورد مزبور مصراع‌های آغاز هر بیت به سال ۹۷۷ و مصراع‌های دوم به سال ۹۷۸ ه. ق است. در مصراع اول بیت آغازین قطعه واژه «به شاه» باید به وجه «بشاه» اصلاح شود تا تاریخ درست درآید.

در مصراع اول بیت سوم، در آغاز مصراع تعبیر «و آن» باید به وجه «آن» اصلاح گردد. نیز در مصراع دوم همین بیت واژه «بود» باید به وجه «بوده» اصلاح شود تا تاریخ موافق آید. این نکته هم گفتنی است که در همین مصراع سراینده به ضرورت ماده تاریخ، تعبیر «به صد» را مشابه با رسم الخط امروزی آورده، در صورتی که هیچگاه حرف «به» در ماده تاریخ‌ها جدا از واژه بعد از آن نبوده و نیست و به صورت متصل یا چسبیده به کلمه می آورده‌اند، زیرا جدا کردن حرف «به» از عنصر متصل بدان، حرف «ه» را به مجموع عددی حروف - که برابر با عدد ۵ است - به تاریخ می افزاید و موجبات اختلال در تاریخ را به بار می آورد.

تاریخ در مصراع اول بیت چهارم مختل است و از مجموع عددی آن سال ۱۰۴۷ به دست می‌آید. در مصراع دوم همین بیت باید تعبیر «به او» را به وجه «باو» اصلاح کرد تا تاریخ درست شود.

در ج ۲، ص ۲۴۲ در ذیل وقایع سال ۹۹۳ ه.ق بداؤنی در باب درگذشت دو جوان زیبارو، ماده تاریخی از خویش را - که به صناعات ادبی آراسته است - آورده که مانند دیگر جای‌های مجلدات سه گانه، هر جا که ماده تاریخی مضبوط است خبیری از محاسبه ماده تاریخ و مشخص شدن آن برای خواننده کتاب نیست و در این روزگار مع التأسف این مسئله از مجهولات اینگونه متون واقع شده و مراجعه کننده و خواننده آن باید خود رفع مشکل کند و بیابد که معنای موضوع مطروحه چیست؟ در باب درگذشت این دو جوان که یکی در لودهیانه و دیگری در تھانسیر واقع شده مؤلف می‌گوید: «این تاریخ به تعمیم یافته شد».

تعمیه^۴ یکی از صناعات ادبی با تقسیمات گوناگون آن است که کاربردی گسترده در متون ادبی - تاریخی و دیگر رشته‌های علوم انسانی به ویژه در کمی قدیم‌تر داشته است. تاریخی که به دنبال جمله مؤلف آمده این است:

رفت زیبا گلی از باغ جهان

که به هیچ روی درست نیست، نگارنده نخست هرچه در حل تعمیمه کوشش کردم به جوابی درست دست نیافتم. از یکسو عناصر تعمیمه در عبارت مشخص و مجزا نشده و از سوی دیگر به شکل موجود تاریخ مورد نظر که سال ۹۹۳ ه.ق است به دست نمی‌آید. سرانجام معلوم شد که این تعمیمه به صورت مصراع موزونی به وجه زیر بوده است:

رفت: «زیبا گلی» از «باغ جوانی»

این ماده تاریخ را بداؤنی با صنعت تعمیمه از گونه تعمیمه با صنعت اخراج ساخته است و در محاسبه آن باید مجموع عددی تعبیر «زیبا گلی» به حساب جمل - که برابر با عدد ۸۰ است - از مجموع عددی عبارت تاریخ یعنی «باغ جوانی» - که آن هم برابر با عدد ۱۰۷۳ است - کم کرد تا تاریخ واقعه یعنی سال ۹۹۳ ه.ق حاصل آید.

یکی از وظایف مصحح آن است که کاملاً به متن اشراف داشته باشد و اگر مؤلف دچار خطا و لغزشی در محاسبه و تاریخ شده باشد آن را برای خواننده روشن و بازگو نماید و آن را تصحیح کند. نمونه ذیل یکی از آنهاست:

در جلد ۲، ص ۶۸ - ۶۹ در ذیل وقایع ذی حجه سال ۹۷۴ ه. ق که مصادف با کشته شدن دو تن از امرای اکبر شاه گورکانی است تاریخ به دو شکل که تاریخ یکسان سال ۹۷۵ از آن به دست می آید و مؤلف منکر آن است به نقل آن می پردازیم:

فریاد ز دست فلک بی بنیاد

و ماده تاریخ بعدی چنین است:

قتل دو نمک حرام بی دین

از مجموع هر دو ماده تاریخ مزبور سال ۹۷۵ ه. ق حاصل می شود. اما مؤلف در باب

ماده تاریخ دومی چنین گفته است:

«و این تاریخ به یک عدد کم است و قایل آن قاسم ارسلان است»

عبارت تاریخ «قتل دو نمک حرام بی دین» به حساب جمل برابر با سال ۹۷۵ است و هیچ کم و کاستی ندارد و بداؤنی دچار اشتباه محاسبه شده و به زعم او قاعدتاً تاریخ را ۹۷۳ یا ۹۷۴ محاسبه نموده است. به دنبال مطلب مزبور تاریخی دیگر را که مرتبط با وقایع مذکور است و از آن نیز سال ۹۷۵ به دست می آید آورده است:

تاریخ آمد که گل رخ زیبا قد

در اینجا عبارت تاریخ «گل رخ زیبا قد» است و به حساب جمل برابر است با سال

۹۷۵.

پی نوشت ها:

۱. در باب تفصیل این قطعه ر. ک به: ماده «مردن شمع» در کتاب حساب جمل در شعر فارسی و فرهنگ تعبیرات رمزی، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸، تألیف نگارنده، ص ۲۷۲ - ۳۷۳.
۲. در باب تفصیل این قطعه ر. ک به: همان، ماده «رفتن سرو از بوستان دولت»، ص ۳۱۸.
۳. «دیوان قاسم ارسلان مشهدی»، تصحیح نگارنده، گنجینه بهارستان (ادبیات فارسی ۲)، به اهتمام بهروز ایمانی، انتشارات کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۷۱ - ۳۹۵.
۴. ر. ک: به مأخذ ردیف های ۱ و ۲، بحث مربوط به تعمیمه.